

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم رجب ۱۴۴۵ مطابق با ۱۴۰۲/۱۱/۵

ميلاد خجسته ابا الأئمة مولاى متقيان اميرمؤمنان امام على (عليه السلام)

مبارک باد ميلاد مسعود اميرمؤمنان امام على (عليه السلام) تبریک و تهنيت بر همه ارادتمندان و مواليان و محبين اهل بيت عصمت و طهارت و بهترين بهره‌هاى از اين مناسبت نصيب و روزى همه شيعیان و مسلمانان و محرومين جهان باد

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ، الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُؤَنِقَةِ بِالإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجْبَيْكَ أَدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ،

روى على است قبله اين دل حق پرست ما كوى على است منزل و جاىگه نشست ما بوى على است باعث حال خراب و مست ما سوى على است هر زمان به التماس دست ما از جابر بن عبد الله انصارى روايت شده كه مي‌گفته است: «لَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِفَتْحِ خَيْبَرَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ لَا أَنْ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتْ النَّصَارَى فِي الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقُلْتُ فِيكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ إِلَّا أَخَذُوا الثَّرَابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَ مِنْ فَاضِلِ طُهُورِكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ وَ لَكِنْ حَسْبُكَ أَنْ تَكُونَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ. - چون على(ع) خبر فتح خيبر را براى پيامبر(ص) آورد، پيامبر به او فرمودند: اگر بيم آن نبود كه گروه هاى از امت من در باره تو همان چيزى را بگويند كه مسيحيان در مورد عيسى بن مريم(ع) مي‌گويند، در مورد تو سخنانى مي‌گفتم كه بر هيچ گروهى نگذرى مگر آنكه از زير پاى تو خاكى را كه بر آن قدم مى‌نهى بردارند و اضافه آب وضوى ترا براى طلب شفا بگيرند. و براى تو همين بس است كه تو از من و من از تو هستم» (روضة الواعظين، ج ۱، ص ۱۱۲)

موضوع تدبر:

اگر بيم آن نبود كه گروه هاى از امت درباره على(ع) همان چيزى را بگويند كه مسيحيان در مورد عيسى بن مريم(ع) مي‌گفتند، پيامبر (ص) درباره وصيش چه مى‌فرمود و انتظار مى‌رفت كه پيروانش درباره حضرت على عليه السلام چگونه رفتار كنند؟

پاسخ اجمالى:

مولاى متقيان حضرت على عليه السلام طبق صراحت قرآن كريم « وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ. » و فرمايش پيغمبر اكرم (ص)، على (ع)، امامى است كه خداوند علم همه اشياء را در او گنجانده است. همه چيز اعم از گذشته، حال و آينده علم دارد. (منتخباتى از آثار حكماى الهى، ص ۸۵۷). انتظار اين است كه شيعیان آن حضرت بر اساس توصيف رسول خدا (ص) عمل كنند: « وَ لَإِيَّاهُ عَلَى بَنِ ابِى طَالِبٍ وَ لَإِيَّاهُ اللَّهُ وَ حُبُّهُ عِبَادَةُ اللَّهِ وَ اتِّبَاعُهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ وَ أَوْلِيَاؤُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَ أَعْدَاؤُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ حَرْبُهُ حَرْبُ اللَّهِ وَ سِلْمُهُ سِلْمُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. » (آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۱۳۰) ولايت على بن ابى طالب عليه السلام

ولایت خدا است، دوست داشتن او عبادت خداست، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خداوند. جنگ با او، جنگ با خدا و صلح با او، صلح با خدای متعال است.

من ار به قبله رو کنم به عشق روی او کنم اقامه صلات را به گفتگوی او کنم
گر از وطن سفر کنم سفر به سوی او کنم زحج و بیت بگذرم طواف کوی او کنم

پاسخ تفصیلی:

امام صادق (ع) فرمود: همانا من آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است می‌دانم؛ آنچه در بهشت است و آنچه در جهنم است می‌دانم؛ آنچه در گذشته بوده و آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد را می‌دانم؛ سپس مقداری مکث کرد و چون دید که این سخن برای کسانی که این سخن را شنیدند سنگین و غیر قابل هضم است؛ فرمود این موارد را از کتاب خدا می‌دانم، چرا که خداوند متعال در آن فرموده است: **فِيهِ نَبِيَانُ كُلُّ شَيْءٍ**. (اصول کافی، ج ۱، ص ۶۱). ائمه هدایت علهم السلام، در توقیع ناحیه مقدسه چنین توصیف شده‌اند: **«الْمُؤْمِنُونَ عَلَى سِرِّكَ... و آیاتک التی لاتعطیل لها فی کل مکان یعرفک بها من عرفک، لافرق بینک و بینها إلا أنهم عبادک و خلقتک.»** (مفاتیح الجنان، اعمال ماه رجب) بار الها! آنها امانت دار اسرار تواند... نشانه های تواند که هیچ جا تعطیل نیستند. هر کسی تو را بشناسد به واسطه آنها می شناسد. میان تو و آنان فرقی نیست، مگر اینکه آنان، بندگان و آفریدگان تو هستند». امیرالمؤمنین (ع) به ابوذر فرمود: من بنده خدا و خلیفه او بر بندگانم. ما را پروردگار قرار ندهید و در فضل ما، هر چه می خواهید بگویید؛ زیرا شما به کنه و عمق آنچه خدا در ما قرار داده نمی رسید. خدای سبحان، عطایی بزرگتر و برتر از آنچه در قلب شما خطور می کند و ما را وصف می کنید، به ما داده است. (بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۶). مرحوم مجلسی با توجه به روایات می‌فرماید: **«فاعلم ان اکثر ما اثبتوه لهذا العقول قد ثبت لارواح النبی و الائمة: فی اخبارنا المتواترة علی وجه آخر فانهم اثبتوا القدم للعقل، و قد ثبت التقدم فی الخلق لارواحهم...»** (مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه، امام حسین (ع)، زیارت اول) بیشتر چیزهایی را که فلاسفه برای عقول اثبات کرده اند، برای ارواح پیامبر و امامان: در اخبار متواتره ثابت شده است. آنها قدم را برای عقل ثابت کرده اند، اما در روایات ما تقدم در آفرینش برای ارواح پیامبر و امامان: ثابت شده است.

الا که رحمت آیتی زرحمت علی بود همه کتاب انبیا حکایت علی بود
بهشت و هر چه اندر او عنایت علی بود اجل نعمت خدا ولایت علی بود

آنچه در درون ولی مطلق است: امام باقر (ع) در تفسیر آیه: **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ.** (نبا/ ۱-۲) از چه چیزی می پرسند، از خبر عظیم؟ فرمود: **نبا عظیم**، امیرالمؤمنین (ع) است که خودش فرمود: برای خداوند آیه و نبأی بزرگتر و بالاتر از من نیست. (تفسیرکبیر، ج ۴، ص ۳۱) و نیز فرمود: **«فانا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا»** (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۷۳). ما ساخته‌های پروردگارمان هستیم و مردم، ساخته‌های ما می‌باشند. مانند این تعبیر در توقیعی که از ناحیه مقدسه ولی عصر عجل الله فرجه الشریف صادر شده آمده است: **«نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعنا»** (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰۳). یعنی امام (ع) واسطه میان خدا و خلق است که می‌تواند هم تکوینی باشد و هم تشریعی باشد. **«بکم فتح الله، بکم یختم الله، بکم ینزل الغیث، بکم یمسک السماء، ان تقع الارض الا باذنه»** (مفاتیح

الجنان ، زیارت جامعه) اصلا به وسیله شما جاذبه و دافعه برقرار می شود که کرات به هم نخورند. «بکم ینفس الهم و یکشف الضر» خداوند به وسیله شما غم و اندوه و گرفتاریها را برطرف می کند. «من اراد الله بدعبکم ، بکم یبیین الله الکذب ، بکم یباعدالله الزمان الکلب » به وسیله شماها زمان سخت برطرف می شود. «بکم تنبت الارض اشجارها» اصلا روییدن زمین به وسیله شماست. «بکم تخرج الارض ثمارها» به وسیله شما میوه ها در می آید. «بکم تنزل السماء قطرها و رزقها» به وسیله شما آسمان باران و روزیش را فرو می فرستد. «بکم یکشف الله الکرب بکم ینزل الله الغیث ، بکم تسبح الارض التي تحمل ابدانکم » خود این زمینی که بدنهای شما را در بر دارد به وسیله شما تسبیح می کند، حرکت می کند و کار می کند. «تستقر جبالها عن مراسیها» اگر کوهها در زمین قرار دارد به وسیله شماست. «ارادة الرب فی مقادیر امورہ تهبط الیکم و تصدر من بیوتکم » اراده خدا در کل مقدرات امور[نه فقط بیان احکام و نه فقط عالم طبیعت ، بلکه کل امور عالم] به شما محول شده ، و از خانه های شما صادر می شود. (زیارت مطلقه ، امام حسین(ع) ، زیارت اول)

گر تشنه فیض رحمتی ای حافظ سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس

آنچه در ظاهر ولی اعلی دیده می شود: پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مردم و بزرگان جامعه، بدون توجه به واقعه مهم غدیر خم، ۲۵ سال حضرت علی علیه السلام را خانه نشین کردند و حوادث تلخ و غمباری مانند شهادت همسر گرامی اش را به وجود آوردند. آن حضرت در این دوران، با اینکه قدرت داشت به تنهایی حق خود را پس بگیرد، نه تنها دست به این کار نزد، بلکه با تمام توان خود، در دوران حکومت سه خلیفه، آنان را یاری می کرد و در جنگ با دشمنان، به آنان مشورت می داد و در مناظره های سرنوشت ساز با دشمنان اسلام، به داد خلفا می رسید. همچنین، در قضاوت های حقوقی، دقیق ترین قضاوت را می کرد، به گونه ای که برخی خلفا با صراحت اعلام کردند: «اگر علی نبود، ما هلاک می شدیم.» این یاری رسانی حضرت علی علیه السلام، تنها یک دلیل داشت و آن، حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی بود؛ جامعه ای که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آن را پایه ریزی کرده بود. در دوران حکومت پنج ساله امیر مؤمنان علی علیه السلام، سه جنگ مهم رخ داد. در جنگ اول که جمل نام داشت، اشخاصی در برابر حضرت علی علیه السلام ایستادند که از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و می دانستند علی، جان پیامبر بود و غدیر را با چشمانشان دیده و درک کرده بودند. در جنگ دوم؛ صفین، سپاه حضرت به پیروزی نزدیک بود که ناگهان، فرماندهان لشکر امیرالمؤمنین علی علیه السلام به بهانه قرآن بر نیزه کردن لشکر کفر، صلح و شکست را بر آن حضرت تحمیل کردند. در جنگ سوم که نهروان نامیده شد، همان نخبگانی که در جنگ صفین، صلح را به حضرت علی علیه السلام تحمیل کردند، به این منظور که حضرت حکمت را بپذیرد، با شعار «لا حُکم الا لله»، نخست اغتشاش و ناآرامی برپا کردند و سپس بدون توجه به راهنمایی ها و نصیحت های امیر مؤمنان علی علیه السلام، با آن حضرت جنگیدند. در این جنگ، مسلمانانی که حافظان قرآن بودند و رختخوابشان، جانمازشان بود، با ولی خدا پیکار کردند و همگی، به جز چند نفر که گریختند، کشته و راهی دوزخ شدند. تمام حوادث تلخی که بر امیر مؤمنان علی علیه السلام تحمیل شد، از ولایت گریزی مسلمانان سرچشمه می گرفت. مهم ترین علت این ولایت گریزی، بی بصیرتی بزرگان جامعه اسلامی و نیز عامه مردم بود. اگر بزرگان دوران حکومت حضرت علی علیه السلام جمله «أَلَا وَلَا یَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ» را آویزه گوش خود می کردند و بصیرت را در خود و مردم به وجود می آوردند، در حوادث پیچیده و فتنه گون زمان خود، دچار اشتباه نمی شدند و آن حضرت را رها نمی کردند. (فروغ ولایت، صص

۲۹۱ - ۳۱۳). در نهایت آنچه از شعیان انتظار می‌رود: جدیت در اقتدا نمودن به مولای متقیان علی(ع) است:

به پرده بود جمال جمیل عزوجل علی شد آینه، «خیرُ الکلام قلّ و دلّ»

راستگویی و امانتداری: ابن کهمس گوید: به حضرت صادق(ع) عرض کردم: عبدالله بن ابی یعفور بر شما درود فرستاد. حضرت فرمود: بر تو و بر او درود باد، وقتی پیش او رفتی سلام مرا به او برسان و بگو: جعفر بن محمد می‌گفت: نیک بنگر هر آن ویژگی که باعث شد تا علی(ع) به آن مقام بلند نزد پیامبر خدا برسد، خود را ملازم آن خصلت نما و یقین بدان هر مقامی که علی نزد پیامبر یافت تنها و تنها به خاطر راستگویی و امانتداری بود. (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۵)

حلال‌خواری و خشنودی خدا و پیامبر: حضرت صادق(ع) فرمود: به خدا سوگند علی بن ابی طالب(ع) تا روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر دو راهی - که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد - قرار نگرفت مگر اینکه پرزحمت‌ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا پیش می‌آمد - به دلیل اعتمادی که به علی داشت - از او کمک می‌گرفت. در میان این امت هیچ‌کس نتوانست همانند علی(ع) راه پیامبر را - بی‌کم و کاست - طی کند و با این همه تلاش و کوشش، همواره چون بیمناکان کار می‌کرد، چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت، از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناک از کیفر آتش بود. (الارشاد، ص ۲۵۵) ابن عباس نیز درباره طالب رضای حق بودن ایشان می‌گوید: علی(ع) در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد. (المناقب، ج ۳، ص ۱۱۰)

پشتیبانی حق و سازش‌ناپذیری: حضرت علی(ع) می‌فرماید: به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و راه گمراهی پیش گیرد، نه مداخله و سازش می‌کنم نه سستی. (نهج‌البلاغه، الخطب: ۲۴)

عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری: آنگاه که حضرت امیر به دلیل رعایت مساوات در تقسیم بیت‌المال مورد عتاب قرار گرفت فرمود: آیا به من امر می‌کنید و اصرار می‌ورزید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی که مسئولیت سرپرستی آنها بر دوشم نهاده شده است به دست آورم؟ به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پی هم حرکت می‌کنند، چنین کار ناروایی نخواهم کرد. اگر این مال، ثروت شخصی من بود در تقسیم آن مساوات را رعایت می‌کردم، چه رسد به اینکه مال، مال الله است. (نهج‌البلاغه، خ ۱۲۴)

همدلی و همدردی با درماندگان: فرمود: یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست بداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را پیشوایی و امامت بپسندند. (حلیة‌الاولیاء، ج ۱، ص ۷۱)

همدردی با مردم و یآوری محرومان: مغیره - الضبی - می‌گوید: علی(ع) به موالی - شهروندان غیر عرب و بردگان آزاد شده - تمایل بیشتری داشت و نسبت به آنان مهربانتر بود. در صورتی که - خلیفه دیگر به شدت از آنان دوری می‌گزید و پرهیز می‌کرد (الغارات: ص ۳۴۱) و نیز فرمود: هیئات که هوی و هوسم بر من چیره شود و شکم‌بارگی به گزینش طعام‌های لذیذ وادارم کند، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره‌ای از سیری ندارند و

هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکم‌های به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

پیش‌تاز در عمل نیک و خیر: حضرت امیرالمؤمنین(ع) درباره خود می‌فرماید: ای مردم! به خدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمی‌خوانم مگر آنکه خود بر شما - در عمل به آن - پیشی می‌جویم و از هیچ گناهی نهی نمی‌کنم - مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز می‌دارم. (نهج‌البلاغه، خ ۱۷۳)

ارشاد و موعظه‌گری: زاذان می‌گوید: حضرت امیرالمؤمنین(ع) به تنهایی در بازار می‌گشت و گمشده را راهنمایی و ناتوان را کمک می‌کرد و به هنگام عبور از پیش فروشندگان و کسبه، قرآن کریم را در برابر آنها می‌گشود و این آیه را برای آنها می‌خواند «خانه آخرت - سعادت ابدی - را برای کسانی قرار دادیم که قصد سرکشی و فساد در زمین ندارند و عاقبت - نیک - تنها از آن پرهیزکاران است». (المناقب ج ۲، ص ۱۰۴)

سفره و خوراک: راوی می‌گوید از حضرت صادق(ع) شنیدم که فرمود: حضرت امیرالمؤمنین در نوع غذا شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا(ص) بود. او خود نان و سرکه و روغن زیتون می‌خورد و به مردم - مهمانان خود - نان و گوشت می‌داد. (الکافی، ج ۶، ص ۳۲۸)

کار و تلاش: در روایت است که امام علی(ع) هنگام شخم زدن زمین این آیه را می‌خواند. حضرت امام صادق(ع) درباره کار و تلاش آن حضرت(ع) فرموده است: گاهی امیرالمؤمنین به سوی صحرا می‌رفت و همراه خود باری از هسته خرما می‌برد، وقتی سوال می‌شد این چیست که به همراه داری؟ می‌فرمود: هر دانه از اینها یک نخل است ان شاء... آنگاه می‌رفت و همه آنها را می‌کاشت و دانه‌ای از آنها را نمی‌خورد. (الکافی، ج ۵، ص ۷۵)

ساده‌زیستی: امیرالمؤمنین(ع) پنج سال حکومت کرد و در طول این مدت آجری بر آجر و خشتی روی خشت ننهاد و زمینی را به خود اختصاص نداد و درهم سفید و دینار سرخی به ارث نگذاشت. (المناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۹۵)

عبادت و طریق بندگی: در تفسیر قشیری آمده است: هرگاه وقت ادای نماز می‌رسید، رنگ چهره امیرالمؤمنین تغییر می‌یافت و بر خود می‌لرزید. وقتی به او می‌گفتند: این چه حالت است؟ می‌فرمود: هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این بار امانت را برداشت. (المناقب، ج ۲، ص ۱۲۴؛ الاحزاب، آیه ۷۲)

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی

از خُم دوست، جوانم به خُم موی علی

طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست

یاد آرم به خرابات چو ابروی علی به پرده بود

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة